



آزادی محمود بهشتی؛ برای آزادی دیگر فعالان با تمام توان مبارزه کنیم



صادق کار

با جعل اتهامات تازه به زندان برگردانده‌اند. در این مورد نمونه های بسیاری را می توان بر شمرد که موبد این رویه است که بافعالین مدنی در عرصه های مختلف و گرایش های متفاوت سیاسی چنین برخورد شده است . برخورد با نرگس مجدی، نسرين ستوده، عیسی سحرخیز، ابراهیم مددی، رضا شهابی، محمود صالحی، کبودوند، تنی چند از وکلای پایبند به حق و حقوق مردم، عده‌ای از روزنامه نگاران و وبلاگ نویسان، بهائیان، محمود بهشتی و همین افرادی که الان در اعتصاب غذا بسر می بردند و صدها نمونه دیگر را می توان نام برد، که همگی موبد این رویه قوه قضاییه با فعالان جامعه مدنی است.

سرسختی نشان می دهند و تا کنون حاضر به آزاد کردن آنها از زندان نشده‌اند. مقامات قضایی قبل از آزاد کردن محمود بهشتی، رسول بداقی یکی دیگر از رهبران کانون صنفی معلمان را که پس از ۷ سال زندان مجبور به آزاد کردنش شده بودند، بعنوان تلافی یک هفته پس از آزادیش به شدت مضر و به زندان برگرداندند. این گونه رفتار مسئولین قضایی و امنیتی تازگی ندارد، آنها هرگاه که برای آزاد کردن فعالان مدنی و سیاسی تحت فشار قرار گرفته‌اند و به نوعی در نهایت مجبور به عقب نشینی شده‌اند، بعنوان تلافی در مقابل رها کردن موقت یک زندانی یک فعال دیگر از همان عرصه فعالیت را به زندان انداخته‌اند و یا همان فرد آزاد شده را پس از فروکش کردن اعتراضات و فشارها

دستگاه های امنیتی و قضایی رژیم در پی اعتراضات گسترده گروه های مختلف اجتماعی و وخامت حال محمود بهشتی، در اثر اعتصاب غذا در زندان مجبور به انتقال وی به بیمارستان و آزاد کردن این فعال صنفی از زندان شدند. طبق خبرهای رسیده وضعیت جسمی جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی که از روز کارگر تا کنون در اعتراض به احکام غیر قانونی زندان شان به اتفاق محمود بهشتی اعتصاب غذا به سر می برند چندان مناسب نیست و بهمین دلیل جعفر عظیم زاده در اثر ضعف ناشی از اعتصاب غذا نتوانسته است با خانواده‌اش ملاقات کند. با این وصف اما مسئولین قضایی و زندان در مقابل فشار گروه‌های مختلف مردمی برای آزادی اسماعیل عبدی و جعفر عظیم زاده همچنان از خود



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

شنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۵ / ۱۴ می / ۲۰۱۶ / سال سوم شماره ۱۳۳

خواهان تفرقه میان زندانیان سیاسی هستند را در پی داشته، که گاه تعدادی از کارگران زندانی تاوان سنگینی برای این تلاش اصولی و انسانی شان پرداخته‌اند. بی تردید محدود نمودن حمایت‌ها از آزادی کارگران و معلمان زندانی در میان مزدبگیران و حمایت‌های سایر گروه‌های اجتماعی از آنان، که اینک ملاحظه می‌کنیم، بخشا نتیجه این رفتار درست است. ادامه این رویه درست و اصولی توسط فعالین و سازمان‌های کارگری و ادامه این تلاش‌ها یقیناً می‌تواند در بسیج نیرو برای آزادی کلیه زندانیان مدنی و سیاسی و برقراری پیوند و همکاری میان فعالیت‌های مدنی و پیشرفت مطالبات مدنی نقش به‌سزایی داشته باشد. فعالین کارگری با اتکا به این تجربیات و تحرکات پرشمار کارگری می‌توانند و باید کوشش کنند با زدن گره میان مطالبات صنفی و مطالبه آزادی همه زندانیان سیاسی و مدنی و ملموس‌تر کردن رابطه بین نان و آزادی، زمینه آزادی همه زندانیان سیاسی و مدنی و برچیدن استبداد رامهیا کند. تا وقتی که این شرایط توسط یک جنبش عمومی نیرومند، از بیخ و بن برچیده نشده باشد، هیچکس بجز بانیان و پاسداران استبداد، از گزند آن در امان نخواهند بود. همانطور که در گذشته هم شاهد بودیم، نخست وزیر، رئیس جمهور، رئیس مجلس و تعدادی از وزرا و نمایندگان سابق مجلس رژیم، نیز

اجتماعی است سوء استفاده کنند و با ایجاد تفرقه در میان معترضین اعمال پلیدشان را ادامه دهند. باید هوشیار بود و به دام این ترفند نیفتاد. مبارزه برای جلب حمایت گروه‌های هرچه بیشتری از جامعه برای آزادی زندانیان کارگری و غیر کارگری را باید تا آزادی بی قید و شرط همه آنها و لغو احکام زندان و آزادی فعالیت‌های سندیکایی و مدنی با قوت ادامه و گسترش داد. بازداشت دوباره رسول بدایق بار دیگر نشان داد که حکومت داوطلبانه حاضر به دست برداشتن از اعمال ضد کارگری و آزادی ستیزانه اش نیست. در چنین وضعیتی پیداست که اگر دامنه اعتراضات و حمایت‌ها گسترده‌تر نشود، نه تنها سایر زندانیان را آزاد نخواهند کرد، بلکه بزودی باید در انتظار بازگرداندن محمود بهشتی، ابراهیم مددی، داود رضوی محمود صالحی، رضا شهبابی و خیلی‌های دیگر به زندان باشیم. سازمان‌های کارگری و فعالین کارگری در بیرون و در زندان‌ها به درستی همواره برای آزادی همه زندانیان سیاسی و مدنی تلاش کرده و خواست‌شان را محدود به آزادی زندانیان کارگری یا گروه معین دیگری از زندانیان نکرده‌اند. همین برخورد درست اصولی فعالین و سازمان‌های کارگری، تاثیر بسیار خوبی در میان جامعه و بویژه در میان زندانیان سیاسی بجا گذاشته و ایجاد نوعی سمپاتی و همراهی با کارگران و معلمان زندانی و خشم و کین مسئولان زندان‌ها را که

با این حال اگر همین اعتراضات و فشارها نبود، بعید بود همه کسانی که از آنها نام برده شد و هزاران تن دیگر، سرنوشتی متفاوت با هزاران نفری که در تابستان ۶۷، و قبل و بعد از آن به قتل رسیدند می‌داشتند.

آری اعتراضات و فشارها و تغییر شرایط موثر واقع شده و تا حدودی رژیم را مهار و محتاط‌تر از پیش کرده، و همین خود نشان می‌دهد که گسترش فشارها و اعتراضات مشابه آن چه که به دنبال محاکمات فعالان کارگری صورت گرفت و می‌گیرد تا چه حد می‌تواند بیش از این دامنه سرکوب را محدود و محدودتر نماید.

محمود بهشتی در مجموع به دلیل فعالیت‌های صنفی به ۱۴ سال زندان محکوم شده و قبل از این نیز چندین بار زندانی شده و به دنبال فشارها و اعتراضات و اعتصاب غذا بطور موقت از زندان آزاد شده، اما احکام زندان وی هنوز به جای خود باقی است و مامورین سرکوب به این آسانی دست از وی و دیگر فعالین کارگری و مدنی بر نخواهند داشت. آزادی موقتی و تاکتیکی وی نیز به رغم اینکه تحت فشار و ناخواسته است اما مسئولین دستگاه سرکوب حالا که مجبور به این کار شده‌اند سعی خواهند کرد برای کاستن از دامنه اعتراضاتی که ممکن است آنها را وادار به آزادی سایر کارگران زندانی کند برای تن ندادن به این خواست که در حال تبدیل شدن به یک خواست وسیع



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

شنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۵ / ۱۴ می / ۲۰۱۶ / سال سوم شماره ۱۳۳

به رغم همه خدماتی که در مقاطع مختلف به آن کردند، در امان نماندند و نخواهند ماند. بنا بر این هرکس که مخالف بساط استبدادی حاکم است، نباید و به نفعش هم نیست که نسبت به مبارزه ماهیتاً ضد استبدادی که کارگران و معلمان زندانی با بخطر انداختن سلامتی و آینده‌شان در پیش گرفته‌اند، سکوت و انفعال پیشه کند.

از تجربه دیگران

اقتصاد غیررسمی؛ تعاریف، تئوری‌ها و سیاست‌ها (بخش پنجم)

از انتشارات سازمان زنان در اقتصاد غیررسمی:
در راه جهانی شدن و سازمانیابی (ویکو)
نوشته: مارتا آلتز جن
ترجمه: گودرز

صنعتی، در حال گذار و سنتی، و دینامیسم واقعی جهان در بازارهای کار امروزی - خاصه کیفیتهای استخدام کارگران تهیدست را پوشش دهد.

تعریف موسع از اقتصاد غیررسمی بر جوهر استخدام و نیز بر مشخصه‌های شرکتها تمرکز دارد و تمام انواع استخدامهای غیررسمی - خواه در درون خواه در بیرون از شرکتها غیررسمی - را شامل می‌شود. کنفرانس بین‌المللی کار (ک.ب.ک.)، منعقد در سال ۲۰۰۲، و کنفرانس بین‌المللی آمارگران کار (ک.ب.آ.ک.)، منعقد در سال ۲۰۰۳، این تعریف را پذیرفتند. ک.ب.آ.ک. در سال ۱۹۹۲ تعریفی آمارگرانه از بخش غیررسمی را پذیرفته بود که ناظر بر استخدام و تولید در شرکتها کوچک و/یا ثبت نشده بود. ک.ب.آ.ک. در سال ۲۰۰۳ تعریف موسع را پذیرفت تا بتواند انواع مختلف استخدام غیررسمی در بیرون از شرکتها غیررسمی را نیز پوشش دهد. کنفرانس مذکور مشخصاً این نوع استخدام را "استخدام غیررسمی" نامیده است.

استخدام غیررسمی، بنا به تعریفی که از آن شده، مفهومی وسیع و نامتجانس است. به منظور تحلیل و سیاست‌گذاری، مناسب است که اولاً این مفهوم به دو زیرمفهوم "خویش فرما" و "مزدبگیر" تفکیک شود، و سپس در درون این دو زیرمفهوم که به نوبه خود بسیار وسیع‌اند، خرده مفهومی متجانس تری مبتنی بر وضع استخدامی مشخص شوند. از جمله این که:

تعاریف آماری موسع (ادامه)

[گفته شد] که سازمان بین‌المللی کار، گروه کارشناسی بین‌المللی در زمینه آماری بخش غیررسمی (مشهور به گروه دهلی) و سازمان زنان در اقتصاد غیررسمی: در راه جهانی شدن و سازمانیابی، برای بسط مفهوم و تعریف اقتصاد غیررسمی، به نحوی که بتواند انواع معینی از استخدام غیررسمی را نیز در خود جای دهد، کوشش‌های مشترکی را به عمل آورده‌اند؛ در اینجا انواع استخدامهای در نظر اند که تعاریف قبلی از "بخش غیررسمی" آنها را در بر نمی‌گرفتند. سازمانهای نامبرده در پی تعریفی جامع از کار غیررسمی برآمدند، چنان که بتواند کار غیررسمی را در انواع اقتصادهای



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

شنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۵ / ۱۴ می / ۲۰۱۶ / سال سوم شماره ۱۳۳

شود. این تعریف و توجه "استخدام مرکز" با بازاندیشی قابل توجهی پیرامون ترکیب، علل و عواقب استخدام غیررسمی همراه بوده است. امروزه، وسیعاً تشخیص داده شده که استخدام غیررسمی شامل طیفی از انسانهای خویش فرماست که عمدتاً در بنگاه های کوچک فاقد شخصیت حقوقی و شرکتهای ثبت نشده، و طیفی از کارگرانی که در استخدام کارفرمایی اند که مشارکتی در تأمین اجتماعی ندارند.

جمعیندی: در مطالعه کار غیررسمی سه ترم و تعریف مرتبط آماری جاافتاده (رسمی) وجود دارند که غالباً بدون دقت و به جای هم استفاده می شوند: ۱- بخش غیررسمی که ناظر بر تولید و استخدامی است که در بنگاه های کوچک فاقد شخصیت حقوقی و شرکتهای ثبت نشده جریان دارد، ۲- استخدام غیررسمی که ناظر بر استخدام بدون تأمین اجتماعی و سامان قانونی است، و ۳- اقتصاد غیررسمی که ناظر بر تمام واحدها، فعالیتها و کارگران فوق الذکر و تمام خروجی حاصل از آن فعالیتهاست. این مجموعه، هم در سطح ملی و هم در سطح بین المللی، پایه وسیعی از نیروی کار و اقتصاد را تشکیل می دهند.

خویش فرمائی غیررسمی شامل:

- کارفرمایان در شرکتهای غیررسمی
- کارگران مناقصه کار در شرکتهای غیررسمی
- کارگران خانوادگی (در شرکتهای رسمی و غیررسمی)
- اعضای تعاونیهای غیررسمی تولیدکنندگان

مزدبگیران غیررسمی شامل مستخدمانی است بدون مشارکت در صندوقهای تأمین اجتماعی، چه در شرکتهای رسمی و چه در شرکتهای غیررسمی، و نیز کارگران خانگی که به استخدام خانواده ها در می آیند. غیررسمی بودن برخی از انواع مشاغل مزدی نسبت به دیگر مشاغل محتمل تر است. این مشاغل از جمله عبارتند از:



به زیاله جمع کن ها احترام بگذارید
سوزاندن کار ما را متوقف کنید
به گرم کردن دنیا خاتمه دهید

- کارگران شرکتهای غیررسمی
- کارگران فصلی یا روزمزد
- کارگران موقت یا نیمه وقت
- کارگران مزدگیر خانگی
- کارگران پیمانی
- کارگران ثبت نشده و اعلام حضور نکرده
- دورکاران برای بخش صنعت (که خانه کار هم نامیده می شوند)

این تعریف موسع توجه را از شرکتهائی که فاقد سامان قانونی اند، به عرصه وسیعتری می کشاند که علاوه بر شرکتهای مذکور، آن مناسبات استخدامی را نیز که فاقد سامان قانونی اند، شامل می شود. این تعریف همچنین موجب می شود که به کارگران غیررسمی، یعنی کسانی که در استخدام غیررسمی اند، نیز توجه



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

شنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۵ / ۱۴ می / ۲۰۱۶ / سال سوم شماره ۱۳۳

اخبار خارجی

بریتانیا

کارگران محروم شده از کار، ۱۰ میلیون پوند غرامت دریافت می کنند

گاردین ۹ ماه مه ۲۰۱۶

های ساختمانی به کمک "گروه مشاوره" صورت گرفته تا بتوانند جلوی کار اعضای لیست سیاه را بگیرند. او همچنین اذعان می کند که مبالغی پرداختی مبین خسارت و رنجی است که اعضای اتحادیه ما از این بیعدالتی در طی سالها متحمل شده اند. گفته می شود این لیست سیاه برای مدت سی سال از اوایل ۱۹۸۰ و در دوران تجاوز به حقوق افراد در جریان فاجعه استادیوم فوتبال هیلزبورو و اعتراضات معدن کاران در ارگریو بکار گرفته شده است. مدارک بدست آمده از دفتر گروه مشاور که در اختیار مأموران کمیسیونر اطلاعات اند، نشان می دهند که القابی شبیه به "دردسر ساز"، "بشدت یونیونیست"، "نماینده اتحادیه در کارگاه"، "قطعاً دردسرافزین" و "تخم مرغ فاسد ارتش ایرلند" به کارگران اطلاق می شده است.

به گفته اتحادیه غرامت های مورد اشاره بین ۲۵ تا دویست هزار پوند به نسبت صدمه مالی و جدی بودن اتهامات وارده متغیر خواهد بود. اتحادیه عمومی بریتانیا (GMB) که یکماه قبل [با شرکتهای ساختمانی] به توافق رسیده بود، می گوید که رقم غرامت های دریافتی به ۷۴ میلیون پوند رسیده است که بین ۷۷۱ شاکی پرونده تقسیم خواهد شد. هزینه های قضایی پرونده هم به ۲۵ میلیون پوند می رسد که از طرفین دعوا اخذ خواهد شد.

بالفور بیٹی، کارلیون، کاستین، کر، لینگ اورورک، بیر رابرت مک الپین، اسکانسکا بریتانیا و وینسی گفته اند که درگیری های دادگاهی با یک توافق خارج از دادگاه با شکایان پرونده بسته شده است و غرامت پرداختی به این شکایات خاتمه خواهد داد.

در یک بیانیه مشترک آمده است که "این شرکت ها آرزو دارند بر این مشکلات خط پایانی بکشند و از این پس در همکاری با اتحادیه های صنفی در سطوح ملی، منطقه ای و کارگاهی شرایطی را بنیاد بگذارند که صنایع مدرن ساختمانی بریتانیا بالاترین استاندارد های استخدامی و کارمندی را در محیط های کار تامین نمایند."

بالفور بیٹی و سر رابرت مک الپین از جمله صنایع ساختمانی بزرگی اند که حاضر شده اند به کارگران عضو اتحادیه های کارگری برای قرار گرفتن در لیست سیاه پیمانکاران ساختمانی غرامت بپردازند.



قربانی کردن اعضای اتحادیه ها را متوقف کنید
به لیست سیاه نماند، دهند

بیش از سه هزار نفر هدف این لیست سیاه بودند که هریک تا ۲۰۰ هزار پوند دریافت خواهند کرد. نزدیک به ده میلیون پوند به دویست و پنجاه کارگر ساختمانی پرداخت خواهد شد که در لیست سیاه بزرگترین کمپانی های ساختمانی بریتانیا قرار داشتند. مجموع غرامت ها که در توافق خارج از دادگاه بین اتحادیه متحد (Unite Union) از سوی هشتصد کارگر صدمه دیده و ۸ شرکت بزرگ ساختمانی بدست آمده، ممکن است به ۷۵ میلیون پوند هم افزایش یابد.

لیست سیاه سبب شده بود که صدها کارگر بدنبال اعتراض قانونی به شرایط کارشان بیکار شوند و نتوانند در هیچ جای دیگری کار پیدا کنند. صنایع ساختمانی با استفاده از یک سازمان سایه بنام "گروه مشاوره" بیش از سه هزار کارگر ساختمانی را زیر نظر داشتند. این سازمان سرانجام بدنبال افشاگری های قبلی گاردین وسیله مامورین اداره کمیسیون اطلاعات اشغال شد.

لن مک کالسکی دبیر عمومی اتحادیه متحد می گوید: "رقم بالای غرامتی که مورد توافق طرفین قرار گرفته حاکی از سطح بالای تخلفاتی است که توسط شرکت



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

شنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۵ / ۱۴ می / ۲۰۱۶ / سال سوم شماره ۱۳۳

شود. آنها در لیست سیاه کمپانی های قدرتمندی قرار داشتند، که فکر می کردند برتر از قانون اند. برای دهه های متوالی کمپانی های معروف ساختمانی سیستم تحریم کارگران فعال اتحادیه ها را براه انداخته بودند تا مانع شوند این کارگران شریف جایی کار کنند و از تامین مالی خانواده و فرزندانشان محروم باشند. سرانجام عدالت پیروز شد و آنان به سزای اعمال شرم آورشان خواهند رسید و برای آن هزینه سنگینی هم خواهند پرداخت."

محروم کردن ۳۲۱۳ کارگر از کار با دستمزدی عادلانه و تامین مخارج زندگی خود و خانواده شان بیعدالتی بزرگی بود و دولت و تشکل های کارفرمایان نباید این فاجعه را فراموش نمایند. بدون قوانین جدی و معتبر، کارفرمایان همیشه تمایل خواهند داشت که منافع مالی را مقدم بر زندگی انسان ها قرار دهند.

مک کلاسکی گفت: "با این توافق کارگران ساختمانی بار دیگر می توانند برای کار درخواست استخدام بدهند و نگران اجحاف و تبعیض نباشند."

این توافق پیام واضحی از سوی جنبش اتحادیه های صنفی است که هرگز در آینده چنین اقدامات قانونشکنانه و تبعیض آمیزی علیه کارگران بیگناهی که برای یک زندگی ساده و دستمزدی عادلانه تلاش می کنند، تحمل نخواهد شد. چرخ های عدالت ممکن است یواش بچرخند ولی سرانجام عدالت جاری خواهد شد."

پیام روشن است و جایی برای پنهان شدن سرکردگان ضد اتحادیه ای وجود نخواهد داشت تا بتوانند به اعمال سیاهشان در محروم کردن فعالین اتحادیه ای از کار ادامه دهند.

تیم روچی، دبیر کل GMB می گوید: "ما ۵/۴ میلیون پوند تامین کرده ایم تا عدالت برای اعضای اتحادیه ما تامین

فرانسه

خارج از ساعات کار، "ایمیل بی ایمیل"

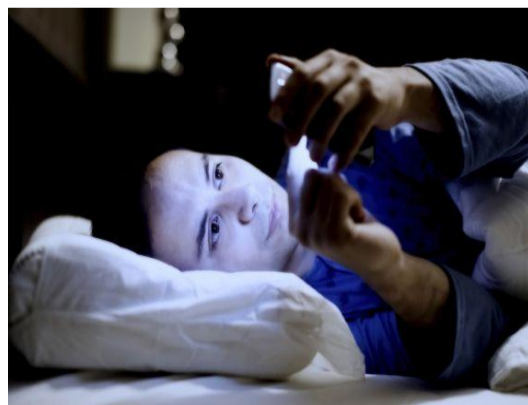
بی.بی.سی، ۱۱ می ۲۰۱۶

بنوا هامون، نماینده سوسیالیست پارلمان فرانسه می گوید: "تمام تحقیقات نشان می دهند که فشار کار، آن هم یک فشار ثابت و همیشگی، به مراتب بیشتر از آن است که باید باشد. افراد محل کارشان را ترک می کنند، اما کارشان را نه! آنها مثل سگ با یک افسار الکترونیکی به کارشان بند می مانند. این ایمیلها و این اسناد الکترونیکی چنان بر جان کارمند حاکم می شوند که سرانجام زیر آنها خرد می شوند."

طرح گفته شده جزئی از لایحه جدیدی برای قانون کار است، که بسیاری از دیگر مواد آن جرقه اعتراضاتی شدند که هفته هاست

جستجوی خاطیان این مقررہ نشان می دهند، دست به مسخره کردن طرح زده اند.

اما دولت فرانسه می گوید که "اتصال دائمی" دارد همه گیر می شود و جا دارد که جلوی آن گرفته شود.



آیا حکومتها باید دست به کار شوند و جلوی ایمیل پراکنی شغلی در خارج از ساعات کار را بگیرند و به این ترتیب کارکنان شان را از خطر "فرسودگی دیجیتال" نجات دهند؟ پاسخ فرانسه به این سؤال مثبت است. فرانسوا اولاند، رئیس جمهور این کشور، در صدد است طرح مقرراتی را به رأی نمایندگان مردم بگذارد، که برای اولین بار "حق قطع اتصال" را فراهم می آورد.

طبق این طرح، شرکتهای با بیش از ۵۰ کارمند موظف خواهند شد اوقاتی را که از کارمندان انتظار می رود در آن اوقات ایمیل پراکنی نکنند، در مقررات داخلی شان وارد کنند. قاعدتاً این اوقات ساعات شب و نیمه شب، و آخر هفته را شامل می شوند. مطبوعات خارجی با درج کاریکاتورهایی که بازرسان اداری تیزبین را در



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

شنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۵ / ۱۴ می / ۲۰۱۶ / سال سوم شماره ۱۳۳

لیزه است، می توان نظرات مشابهی را شنید.

گریگوری که کارش برنامه نویسی است، می گوید: "من فکر می کنم این قانون (حق قطع اتصال) برای بهبود شرایط کار عالی است، اما مطلقاً غیرعملی است. شرکت ما باید با هلندیها، چینی ها، امریکائی ها ووو رقابت کند. ما باید با مردم در سراسر دنیا، نصف شب هم که باشد، تماس بگیریم. رقبای ما این جور محدودیتها را ندارند. ما اگر بخواهیم از این قانون تبعیت کنیم، خودمان را به دست خودمان بدبخت کرده ایم."

اولیور ماتوا بر این نظر است که این مسئله باید با آموزش حل شود و نه با قانونگزاری. او می گوید: "فرانسه قهرمان قانونگزاری است. اما بعضی اوقات از دست قانون کاری ساخته نیست. واقعیت این است که نیاز به انعطاف در کار، بیشتر و بیشتر می شود."

لینه له هم بر این نظر است که قانون مورد نظر به سرعت بی اعتبار خواهد شد. او پیش بینی می کند که در خلال چند سال آینده ایمیل منسوخ شود و جای خود را به ابزار دیگری بسپارد.

حتی مدافعان این قانون، مثل بنوا هامون، تأیید می کند که تأثیر آن محدود و موقتی خواهد بود، خاصه این که "در طرح کنونی هیچ مجازاتی برای نقض آن پیش بینی نشده است، بلکه از شرکتها انتظار می رود که داوطلبانه آن را رعایت کنند."

با این حال همه در فرانسه با این نکته موافق اند که بار گران مرادوات شغلی مسئله ای است که هر کارفرمائی باید برای آن چاره اندیشی کند.

دردناک، خواهان و نیازمند کارمندانی مبتکر و پرجوش و خروش اند. این هم بدون تمدید قوای منظم به دشواری ممکن است."

خانم له برای یک شرکت امریکائی ارزش بسیاری قائل است. این شرکت یک "مونیتور دیدبان خواب" در اختیار هر یک از کارمندانش قرار داده است و به هر کارمندی که طبق گزارش این دیدبان ۲۰ شب متوالی را خوب خوابیده باشد، یک بِن خرید می دهد.

آیا این طرح عملی است؟

بسیاری در این باره تردید دارند. اولیور ماتوا، مدیر کل "پرنس مینیستر"، که یک بازار اینترنتی به مرکزیت پاریس است، برای تشویق کارگران اش به عدم "ارتکاب" به ایمیل، مقرر کرده است که جمعه ها ایمیل پراکنی نکنند.

تیفانی اشمیت، مدیر فروش این بازار، می گوید که این فکر خوبی است و آدمها را به گفتگوی بیشتر با هم کمک می کند، اما او همچنین مخالف هرگونه مداخله دولت در نحوه انجام کار خویش است.

او می گوید: "کار من فروختن است. من این کار را دوست دارم. پس تا دیروقت شب و آخر هفته هم از ایمیل استفاده می کنم. من نمی خواهم شرکت ام به خاطر قانون، من را از ایمیل پراکنی در این اوقات منع کند."

در کافه باولر (Bowler) هم، که یک پاتوق کارگران کامپیوترکار و مؤسسات مالی در نزدیکی شانزه

در فرانسه جریان دارند. این لایحه به نام وزیر کار کنونی فرانسه، مریم ال خوری، نامیده می شود. "حق قطع اتصال" تنها بخش از این لایحه است که حول آن تقریباً توافق عمومی وجود دارد.

عده کمی - در فرانسه یا در هر کشور دیگری - ممکن است این نکته را نپذیرند که کار خارج از ساعات کاری در خانه، یک محصول جنبی نگران کننده ناشی از انقلاب دیجیتال است.

خانم لینه له، یکی از شرکای دفتر مشاوران "الیا" در پاریس، می گوید: "محل کار خانگی می تواند آشپزخانه باشد، یا حمام یا رختخواب. ما از صندوق پست الکترونیک به واتس آپ، و از آنجا هم به فیس بوک مان سر می زنیم و بعد هم سراغ متون شغلی مان می رویم؛ همه این رفت و آمدها هم فقط با یک وسیله. شما در خانه اید اما در واقع نیستید. این وضع تهدیدی واقعی برای روابط شخصی است."

او تصریح می کند که شرکتهائی که او به آنها مشورت می دهد، از خطرات این وضع برای کارکنان شان آگاه اند. خطرناکترین تهدید، فرسودگی شغلی به معنای تهی شدن از قوای فیزیکی، روانی و عاطفی، و عدم توانائی مطلق برای تجدید قواست."

او می افزاید: "اما شرکتها، جدا از تمایل شان به پرهیز از این وضع





بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
شنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۵ / ۱۴ می / ۲۰۱۶ / سال سوم شماره ۱۳۳

برمه (میانمار) - تایلند

کوشش برای کاهش از فشار کارگران مهاجر برمه در تایلند

پست بانکوک، ۱۰ می ۲۰۱۶

آن سان سوچی، وزیر امور خارجه برمه، در دیدار با همتای تایلندی خود اعلام کرد که برمه تایلند را در انجام مسئولیتهای خود نسبت به کارگران مهاجر برمه ای در تایلند، کمک خواهد کرد.

در دیدار خانم سوچی با دن پرآمودوینائی، وزیر امور خارجه تایلند، که در تاریخ ۹ ماه می انجام شد، او تین کیاو رئیس جمهور برمه نیز حضور داشت.

آقای دن به عنوان فرستاده ویژه نخست وزیر تایلند، پرایوت چان او چاو، برای بهبود مناسبات و همکاریها با برمه به سفر رسمی دو روزه ای به این کشور رفته است. وضع کارگران مهاجر برمه در تایلند، یکی از موضوعات اصلی گفتگوهاست.

خانم سوچی پس از دیداری با آقای دن، از آمادگی دولت تایلند برای حمایت از کارگران مهاجر برمه ای و برنامه هائی که برای اصلاح قانون کار تایلند در جهت بهبود وضع آنان دارد، قدردانی کرد.

خانم سوچی گفت که کشور او نیز نسبت به مردم خود در تایلند مسئولیت دارد و نخواهد گذاشت که تایلند به تنهایی بار مسئولیت را به دوش کشد.

آقای دن نیز گفت که دولت هنلد اهمیت بسیاری برای منافع اجتماعی و رفاهی کارگران برمه ای در تایلند قائل است. او افزود که کارگران برمه ای از حقوق برابری با کارگران بومی تایلند برای دسترسی به خدمات پزشکی برخوردار اند و فرزندان آنها نیز حق دارند از آموزش همگانی متمتع شوند.

دن تعداد کارگران ثبت شده برمه ای در تایلند را یک میلیون و ۶۰۰ هزار نفر اعلام کرد.



مشکلات کارگران مهاجر برمه در تایلند بسیار اند. در عین حال جمعیت ۱/۶ میلیونی آنها کمک می کند که مسائل آنها در جامعه تایلند پژواک داشته باشند. عکس تجمع عده ای از آنان را در اعتراض به تهدید یک کارگر برمه ای توسط یک سرکارگر تایلندی با چاقو، نشان می دهد.

ایده های نو

دومین تقویم کارگری منتشر شد

با همه فشارها و تگناهایی که از سوی رژیم سرکوب گر جمهور اسلامی ایران، بر تک تک اعضای فعال کانون مدافعان حقوق کارگر تحمیل شده است، این تشکل مستقل تا این لحظه بدون اندکی تعلل، در همه حال به تلاش خود برای دفاع از حقوق کارگران و زحمتکشانش ادامه داده است.

این کانون در جدید ترین ابتکار خود، دومین تقویم کارگری را منتشر کرد، که به عبارتی بخشی از تاریخ مبارزه کارگران ایران را به تصویر کشیده است، در سایت کانون در باره این تقویم چنین می خوانیم:

"این دومین تقویم کارگری است که با هدف آشنایی بیشتر کارگران با تجربه مبارزات کارگران ایران تهیه شده است. در تقویم امسال بیشتر بر رویدادهای سال های ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ تاکید شده است.

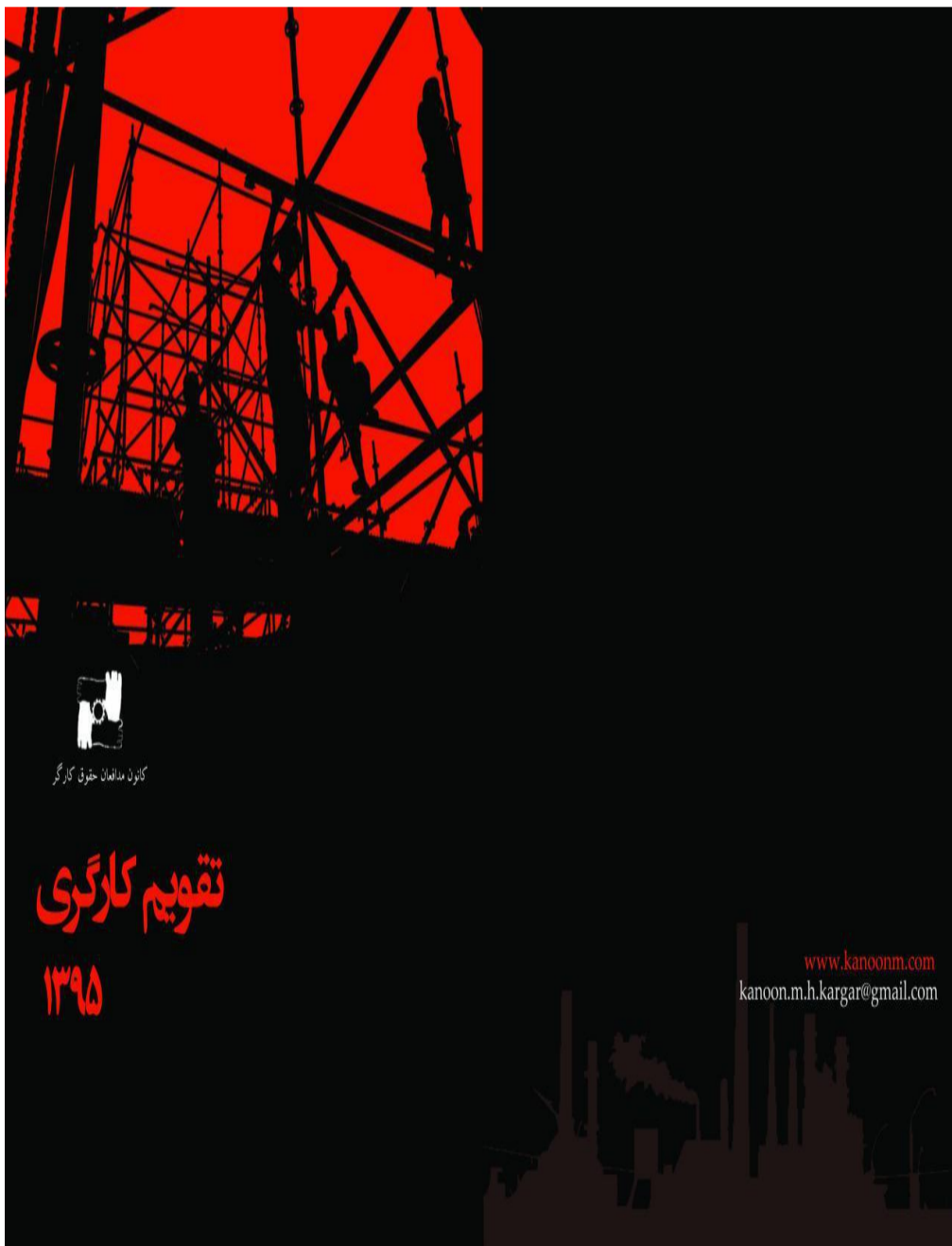


بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
شنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۵ / ۱۴ می / ۲۰۱۶ / سال سوم شماره ۱۳۳

دوره‌های که تلاش‌ها، مبارزات کارگران و زحمتکشان به سرنگونی رژیم سلطنتی انجامید. شوراها، سندیکاها و تشکل‌های مستقل بسیاری در این دو سال تشکیل شدند. در بسیاری از واحدهای تولیدی که صاحبان آن گریخته بودند، کارگران امر تولید را به دست گرفتند و در عمل ثابت کردند که حضور کارفرمایان و سرمایه‌داران برای تولید ضروری نیست. تلاش‌های بسیاری نیز در جهت ایجاد تشکل‌های سراسری انجام شد. هر چند که این دوره بسیار کوتاه بود، اما تجربیات این دو سال برای جنبش کارگری بسیار ارزشمند و بی‌نظیر است. این مجموعه نیز با تمام تلاش‌های بی‌دریغ یارانی که در تهیه این مجموعه مشارکت داشتند، ناقص است.

امید داریم دوستانی که اسناد و مدارکی از این سال‌ها در اختیار دارند، ما را در تکمیل آن یاری دهند. سلطه اقلیتی بر اکثریت عظیم انسان‌ها و داشته‌های بشری امری است که باید تغییر کند. تلاش کارگران و زحمتکشان و صاحبان اصلی ثروت‌های اجتماعی بر آن قرار است تا همه انسان‌ها سهمی مناسب از زندگی داشته باشند و این تلاش همچنان ادامه دارد."



آدرس تقویم به شرح زیر است:

<http://www.kanoonm.com/2302>

فرمت پی‌دی‌اف تقویم را از اینجا می‌توانید دانلود نمایید

[Taghvim95 new1](http://www.kanoonm.com/2302)

www.kanoonm.com
kanoon.m.h.kargar@gmail.com